



# بررسی رابطه تحول روانی - اجتماعی و تحول شناختی در دختران ۱۲ - عسال

زهرا تیزرو

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات تربیتی  
پرتو جامع علوم انسانی

مقدمه: انسان موجودی اجتماعی است و رفتارش از دیگران اثر می‌پذیرد و خود نیز بر دیگران تأثیر می‌گذارد و این تأثیر و تاثیر مقابله از آن جهت است که انسان از لحظه تولد تا مرگ به دیگران نیازمند بوده و بدون

(نگهداری‌های ذهنی) به عنوان یکی از نمودهای تحول شناختی کودک همبستگی وجود دارد؛ و آیا نتایج حاصله در کشورمان با تایبی که در فرهنگ‌های دیگر بدست آمده است یکسان است یا خیر؟

پیش‌گفتار: در این پژوهش محقق در پی آن است تا رابطه «تحول روانی - اجتماعی<sup>(۱)</sup>» را با «تحول شناختی<sup>(۲)</sup>» مورد بررسی قرار دهد و مشخص شماید که آیا بین تحول اجتماعی با ظرفیت عملیاتی

**تعریف موجود: اجتماعی شدن، روند اخذ معارف، الگوها، ارزش‌ها و نمادها می‌باشد و به طور خلاصه شیوه‌های عمل، تفکر و احساس خاص گروهها، جامعه و تمدنی است که هر شخص مجبور به زندگی در آن است، این روند از بدو تولد آغاز و در تمام طول حیات ادامه می‌یابد و متوقف نمی‌شود مگر با مرگ. (گی رشه<sup>(۲)</sup>)، از نظر کیوین دورکین<sup>(۵)</sup> اجتماعی شدن فرآیندی است که به موجب آن مردم قواعد رفتار و نظام‌های اعتقادی و بازخوردهایی را کسب می‌کنند که شخص بدان وسیله مجمل می‌شود تا به نحو مؤثری به عنوان یک عضو جامعه رفتار کند. (دورکین، ۱۹۹۵).**

در فرهنگ زبان انگلیسی، این واژه فرآیند تعامل بین یک شخص و محیط اجتماعی او را نشان می‌دهد که در نتیجه آن یک سازش متقابل بین فرد و جامعه بوجود می‌آید. در معنای اخیر اجتماعی شدن فرآیندی است روانی - اجتماعی که بر پایه آن شخصیت اساسی تحت تأثیر محیط و مخصوصاً نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی تشکیل می‌یابد. (بیرون، آلن، ۱۳۶۴<sup>(۶)</sup>).

در روانشناسی، اجتماعی شدن عبارتست از توحید اجتماعی کودک در جریان تحول، در این سیم، وسیله ارتباط زبانی و یک رشته از شناسایی‌ها در اختیار کودک قرار داده می‌شود و او در تماس با آنها به کسب قواعد زندگی، عادات، طرق فکر کردن، چارچوب‌های قضایی، زمانی، باورها و آرمان‌های منطبق با محیط اجتماعی که در آن پرورش می‌یابد نائل می‌گردد. (دادستان، منصور<sup>(۷)</sup> ۱۲۶۷)

در تعاریف متفاوت از قضیه اجتماعی شدن، در مورد این مسئله توافق نظر وجود دارد که در روند اجتماعی شدن کودکان با قبول معیارها، استانداردها و ارزش‌ها، رفتارهای موردن نظر فرهنگ و جامعه خود را می‌آموزند و رفتار خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که هماهنگ با انتظارات آن جامعه می‌باشد، به عبارتی دیگر اجتماعی شدن یعنی همان فرهنگ‌پذیری. در واقع

جالی اینکه اطلاعات خود را به صورت قالبی از بیرون کسب کند آنها را با کوشش و تجربه فردی به تملک خود در آورد و جامعه نیز متقابلاً از نسل‌های جدید، غنای شخصیت یعنی کاری بهتر از تقلید صرف انتظار دارد. شناخت این مراحل تحولی می‌تواند در تسریع و تسهیل امر تربیت کمک نماید و به امر برنامه‌ریزی مستولان تربیتی جامعه کمک شایانی نماید.

#### تعریف متغیرها:

تحول شناختی: تغییرات تدریجی در ساختهای فکری است که ارگانیزم بوسیله آن اطلاعاتی را راجع به محیط خود کسب می‌نماید و آن اطلاعات را برای تنظیم رفتار خود مهیا می‌سازد. مانند: ادراک، تشکیل مفاهیم، استدلال و ... در اینجا با اجرای آزمون‌های نگهداری ذهنی (مقدار ماده، وزن، حجم) پیاڑه و تعیین ظرفیت عملیاتی آزمودنی مشخص می‌شود.

تحول روانی - اجتماعی: تغییراتی است که در زمینه تکامل قسمت‌های مختلف بدن با جنبه‌های عملکردی بوجود می‌آید و برطبق آن کودک واجد یک رشته شناسایی‌ها می‌گردد که با استفاده از آنها به کسب قواعد زندگی، باورها و آرمان‌های منطبق با محیط اجتماعی نائل می‌گردد و سطح این جنبه از تحول با پرسشنامه رازو<sup>(۲)</sup> که توسط مادر آزمودنی پاسخ داده شده است، سنجدیده می‌شود.

#### فرضیات تحقیق:

(۱) افزایش سن در تحول روانی - اجتماعی مؤثر است.

(۲) بین سنجش‌های مختلف آزمون تحول روانی - اجتماعی یعنی بخش خودراهبری، تحول رغبت‌ها و روابط بین فردی با یکدیگر و با مجموعه پرسشنامه همبستگی وجود دارد.

(۳) بین تحول روانی - اجتماعی و تحول شناختی همبستگی وجود دارد.

#### مروری بر چهارچوب نظری:

#### اجتماعی شدن بر اساس برخی

آنان قادر به برآوردن نیازهای مادی و معنوی خود نیست، بنابراین صفت مشخصه انسانها، اجتماعی بودن آنها است. تشکیل یک جامعه، الگوها، قوانین و هنجرهای خاصی را طلب می‌کند که با توجه به شرایط خاص زمانی و مکانی، این هنجرهای در جوامع و فرهنگ‌های مختلف متفاوتند و این مهم از طریق انتقال و آموزش فرهنگ نسل‌های گذشته به صورت خودبخودی یا به شیوه منظم و منسجم بوسیله نهادها و ارگانهایی که وظيفة آموزش و پرورش نسل جدید را بر عهده دارند، صورت می‌گیرد.

**بیان مسأله:** در هر مرحله از مراحل تحول کودک دو نوع تحول همکام با یکدیگر صورت می‌گیرد. تحول شناختی و روانی اجتماعی و در این ارتباط همواره این سؤال مطرح است که آیا بین این دو ارتباطی وجود دارد؟ به طور کلی کودکان از چه زمانی قادر به تمایز بین درست از نادرست، خوب از بد و هنجرهای ارزش‌های جامعه از ضد ارزش‌ها هستند، و آیا رفتارهای اجتماعی کودکان را با توجه به مراحل شناختی و عقلی آنان می‌توان پیش‌بینی نمود؟ با پاسخ بین سوالات و با در نظر گرفتن مراحل دگرگونی ساخت فکری کودک می‌توان رهنمودهای مناسب و صحیح را در اختیار والدین و مراکز مشاوره، تربیتی و درمانی قرار داد. از طرف دیگر نهادهای جامعه می‌توانند با آگاهی و برنامه‌ریزی مناسب و مدون با توجه به سن تحول کودک، به امر مهم اجتماعی کردن کودک اهتمام ورزند.

**اهمیت و ضرورت تحقیق:** در اکثر جوامع بشری تربیت افراد در رأس امور مهم اجتماع بوده است، تربیت عبارت از سازگار نمودن سریع و مطمئن فرد با زندگی اجتماعی و غایت فردی است. غایت اجتماعی تربیت عبارت است از پیشرفت دادن بشریت، یعنی نسل‌هایی که بهتر تربیت شده باشند و آمادگی بهتری برای انجام تکالیف اجتماعی خود داشته باشند، در این فرآیند تلاش بر آن است تا کودک به



تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بر فرد است. از نظر وی وجود تعارض و مبارزه در هر یک از مقوله‌های روانی - اجتماعی برای تحول سالم مفید است (پاپا<sup>(۱۲)</sup>، ۱۹۹۲). اعتماد در برابر می‌اعتمادی - استقلال در برابر شک و تردید - ابتکار در برابر احساس گناه - تحقق عمل در برابر احساس کهری - احراز هویت در برابر پراکندگی نقش - دگرآمیزی در برابر انزواطلبی - پدید آورندگی در مقابل راکدانگی و بالاخره شکفتگی در مقابل ناممیدی، ۸ مرحله اریکسون است. همچنین بالی<sup>(۱۳)</sup>، نیاز دلستگی را یکی از نیازهای نخستین می‌داند که همچون نیاز به تعذیه و دیگر نیازهای نخستین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است یعنی از هیچ نیاز دیگری مشتق نشده است. و نیاز اساسی برای تحول شخصیت است و رفتار دلستگی که از یک نیاز فطری و هم از اکتساب‌ها منتزع می‌گردد دارای کنش مضاعف است، یکی کنش حمایتی و دیگر کنش اجتماعی شدن، بین ترتیب، این‌نی کودک با افزایش سن، افزایش می‌یابد. اما احساس از دست دادن مادر به ایجاد دلهره و از دست دادن واقعی وی به استیصال و حتی افسردگی می‌انجامد.

از نظر پیازه<sup>(۱۴)</sup> کودک پیش‌دبستانی به دنیا از زاویه دید شخصی خود نگاه می‌کند و قادر به تمیز دادن دیدگاه‌های شخصی خود از زاویه دیدهای دیگر ممکن نیست. (باتروث<sup>(۱۵)</sup>، ۱۹۹۳) با پدیدار شدن کنش رمزی، زبان، تجسم و مبادلات با دیگری، جهان کودک در ابعاد پیش‌بینی نشده‌ای گسترش می‌یابد و این خود ضرورت ساختیابی جدیدی را ایجاد می‌نماید، کودکان غالباً در این سیر تحول از قواعد بازیها تبعیت نمی‌کنند بلکه قاعدة خود را بکار می‌برند و با تحول در مراحل بعدی کودک متدرجأ به پذیرفتن قوانین نائل می‌شود در سطح نوجوانی یعنی در سطح عالی تفکر، گسترش بی‌نهایت تفکر که به دلیل ظهور ابزار جدید یعنی منطق قضایا، امکان‌پذیر گشته است، نوجوان از مرحله‌ای می‌گردد که در خلال آن، توانایی نامحدودی

درازمدت بر شخصیت کودکان ندارد ولی در عوض شخصیت کودک تحت تأثیر رفتار همسالان در خارج از خانه قرار دارد. از آنجایی که جوامع مختلف همواره خواهان بقای خود هستند سعی بر این دارند که میراث فرهنگی آن جامعه را تداوم بخشنند. این امری است که تنها از طریق فرآیند اجتماعی شدن امکان‌پذیر است. یعنی فرآیندی که افراد از خلال آن به اعضای موظف جامعه خود مبدل می‌گردند، این فرآیند پیچیده که با تولد آغاز می‌گردد و در طول سالیان زندگی گسترش پیدا می‌کند شامل مجموع تجربیات اجتماعی و فرهنگی است و علت بسیاری از تغییرات رفتاری نیز شمرده می‌شود. از خلال فرآیند اجتماعی شدن است که ما طی نخستین سالهای زندگی خود کیفیات ویژه «موجود انسانی» را درون خویش می‌پرورانیم. این کیفیت‌ها که بالقوه در ذات هر کودک نو روسیده وجود دارد فقط در اثر تجربیات اجتماعی است که تجلی پیدا می‌کند سپس ما یار می‌گیریم که مسنول رفتار خود باشیم و بسیاری از نیازمندیهای خویش را از طریق انواع گوناگونی از فعالیت‌های اکتسابی بطور انفرادی یا تعاونی ارضا کنیم. و سرانجام زمانی که به مرحله بلوغ رسیدیم چه در مورد خود و چه در مورد دیگران مسئولیت‌های وسیع‌تری را بر عهده می‌گیریم. انتقال فرهنگ جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم به نسل بعدی یکی از مسؤولیت‌های مهم ماست. (لنکی، ۱۳۶۹)

### کودک و مراحل تحولی

در مکتب روان تحلیل‌گری، کودک از نظر مبدع آن فروید<sup>(۱۶)</sup> موجود است فعل‌پذیر و محصول نیروهای داخل و قید و اجبارهای بیرونی. وی معتقد است که ارضای کم و یا بیش از حد نیازهای کودک در طی مراحل تحولی موجب تثبیت کودک در مرحله‌ای خاص می‌گردد که پیش روی کودک به مرحله بعدی تحول را کند می‌سازد. (جان رادفورد، ۱۹۹۱)

همچنین اریکسون<sup>(۱۷)</sup> در نظریه تحول روانی - اجتماعی خویش تأکیدش بیشتر بر

کودک با پذیرش الگوهای رفتاری اجتماعی خویش به نوعی سازش متقابل بین خود و جامعه‌اش دست می‌یابد. در واقع جوامع انسانی تقاؤت بسیاری با یکدیگر دارند و این امر به دلیل تنوع فرهنگها است. در واقع جوامع بشری بخلاف جوامع انواع دیگر موجودات، در عین حال هم واحدهای اجتماعی‌اند و هم واحدهای فرهنگی و این آمیختگی تسفیک‌نایابی دارند (گرهازدلنگسکی<sup>(۱۸)</sup>، ۱۲۶۸).

بطور کلی مسأله چگونگی اجتماعی شدن کودک در محیط خانواده و در محیط بیرون از خانواده از سه دیدگاه تحولی مورد بررسی قرار گرفته است:

- ۱- الگوی اجتماعی شدن سنتی.
- ۲- الگوی ژنتیک رفتاری
- ۳- الگویی که بواسطه نظریه اجتماعی شدن گروهی بوجود آمده است.

الگوی اجتماعی شدن سنتی بر پایه این دیدگاه استوار است که توارث بطور عمده در تعیین خصوصیات جسمانی و ظاهری کودک مهم است و به این مستله اشاره می‌کند که والدین «علت» و رفتار کودک «معلول» آن است. فرض می‌شود که روابط والدین با فرزندانشان بر روابط کودک با همسالانش تأثیر دارد. اما به صورت معکوس این تأثیر دو جانبی در تقابل‌های همسال - همسال تصدیق می‌گردد و انتقال فرهنگ به کودک از طریق والدین صورت می‌گیرد. الگوی ژنتیکی، یک حلقة ژنتیکی را بین شخصیت‌های والدین و شخصیت‌های کودکان برقرار می‌کند، وجود اثرات واکنشی در تقابل‌های والد - فرزند پذیرفته می‌شود، با وجودی که این احتمال دارد که روابط کودک با همسالانش بر رفتار او در خانه مؤثر باشد ولی اثرات روابط والدین با فرزندانشان بر روابط کودک با همسالانش قویتر از رابطه معکوس است.

در نظریه اجتماعی شدن گروهی حلقاتی بین رفتار کودک در داخل خانه و بیرون از خانه وجود ندارد، اینها دو نظام رفتاری جداگانه هستند. رفتار والدین اثرات

مسئله رهنمود می‌کند که برای حل مسئله می‌توان به بیشتر از یک راه حل دست یافته بنابراین کودکان از طریق تقابل اجتماعی به ساختار شناختی دست می‌یابند که پیش از آن فاقد آن بوده‌اند.

دقیقاً نمی‌توان گفت که نفوذ همسالان چه وقت اهمیت پیدا می‌کند ولی می‌توان آن را به سه دوره زمانی سالهای قبل از دبستان، سالهای دبستان و نوجوانی تقسیم نمود، البته رابطه دوستانه در کودکان دبستانی نقش بزرگتری را در گروی اجتماعی آنان دارد و نیمی از این روابط در طول سالهای مدرسه تداوم می‌یابد، در این دامنه سنی نقش جنس و سن در تداوم و بقای روابط دوستانه قابل اهمیت به نظر می‌رسد. پسران تمايل دارند در گروههای بزرگتر قرار گیرند و دوستان بیشتری داشته باشند در حالی که دختران وقتی را بیشتر با یک دوست می‌گذرانند. روابط دختران با هم بیشتر بر پایه رازگوییهاست و در پسرها بر پایه وقایع و حقایق است.

همچنین در تحقیقاتی که در رابطه با تأثیر همسالان بر رفتار کودکان و نوجوانان انجام گرفته، نشان می‌دهد که تأثیر یک گروه همسال بر عقاید، عادات و رفتارهای کودکان در تمامی سنین دیده می‌شود و بالاترین حد این تأثیرات در حدود سنین ۱۲ - ۱۴ سالگی است، خصوصاً این سنین آسیب‌پذیرترین سنین برای تحت فشار قرار دادن همسال برای شرکت در فعالیت‌های ضداجتماعی است، البته نوجوانی که به خانواده خود نزدیکتر است کمتر تحت تأثیر این فشار قرار می‌گیرد.

جالبترین تحقیق درباره تأثیر گروه همسال بر خود، در مورد مهاجرانی صورت گرفته که قادر نیستند به زبان مشترک صحبت کنند، کودکان اینگونه خانواده‌ها با گروه همسال هیچ فرهنگ و زبان مشترکی ندارند مشاهده شده که کودکان این خانواده‌ها برای برقراری ارتباط، زبان جدیدی را اختراع کرده بودند، البته این زبان جدید را کودکان از والدین خود کسب کرده بودند، این زبان در بین بچه‌های تا جایی

مجموعه‌ای از نظام‌های بزرگتر قرار گرفته است مسانند محله، جامعه و جامعه گستردگی. این نظام بطور مستقیم یا غیرمستقیم با استفاده از روش‌های مختلف تربیت در کودکان تأثیر می‌گذارد. و نوع شخصیت والدین نیز در شکل‌گیری شخصیت کودکان تأثیر می‌گذارد. (کیوبین دورکین ۱۹۹۵) همچنین ارتباطات بین خواهران و برادران در روند اجتماعی شدن کودک از این راهیت دارد که اولین دنیای اجتماعی کودک محسوب می‌شود (المب<sup>۱۷</sup>، ۱۹۸۲) البته نقش خواهران و برادران در شکل‌گیری شخصیت و تحول اجتماعی کودکان به چندین عامل بستگی دارد. از جمله، جنس کودک، تعداد کودکان، سن، داشتن خواهر یا برادر و ترتیب فرزندان. بطور کلی فرزندان بعدی (بعد از کوک او!) به دلیل تعامل با خواهر یا برادر بزرگتر از خود و تقلید از آنان مهارت‌های اجتماعی مهمی را کسب می‌کنند و به دلیل در نظر گرفتن خواسته‌ها و نیازهای آنان، رفتارشان دوستانه‌تر و پذیرافت‌است و از دیگران توقع کمتری دارند.

پس از آن گروه همسالان در فرآیند اجتماعی شدن، مهارت‌های اجتماعی مهمی را به کودکان می‌آموزند که بزرگسالان به هیچ وجه نمی‌توانند آنها را به کودک منتقل کنند، به عنوان مثال چگونگی کنش متقابل با همسالان، چگونگی ارتباط برقرار کردن با فرد رهبری، چگونگی کنار آمدن با سلطه‌جویی و دشمنی دیگر افراد در گروه و همچنین اثرات روان درمانگری قابل ذکر است (ماسن ۱۹۷۰).

پیازه در اثر خود تحت عنوان «قضایات اخلاقی کودکان» به بحث در این مورد می‌پردازد. او تأکید زیادی بر اهمیت تجربه کودک با همسالانش در مقایسه با بزرگسالان کرده است چنانچه در بازیها، کودکان خود تقابل اجتماعی‌شان را نظم می‌بخشند. حتی بهتر از زمانی که تحت کنترل بزرگسالان قرار دارند (باترorth ۱۹۹۲) او معتقد است که عدم توافق شناختی بین دیدگاه‌های همسالان کودک را به این

به فکر خود نسبت می‌دهد. روایای آینده‌ای پیروزمند همراه با ایجاد نگرگونی در جهان را در سر می‌پروراند.

از نظر پیازه تحول اخلاقی در کودک دو مرحله مشخص را طی می‌کند. مرحله «دیگر پیروی» که مربوط به سالین ۹ - ۶ سال است و مرحله دوم که از نظر سنی ۱۲ - ۹ سال را در بر می‌گیرد. مرحله خودپیروی که استقلال عمل نامیده می‌شود، اخلاق کودک مستشکل از امر و نهی‌ها و دستورات بزرگسالان است و گفتار بزرگسالان قطعی و مقدس تلقی می‌شود در صورتی که در مرحله خودپیروی (۹ - ۱۲ سال)، کودک به اعمال، بیش از نتیجه ظاهری آن اهمیت می‌گردد. از دیدگاه پیازه، بازی کردن کودک با همسالان یکی از مهمترین عواملی است که به کودک برای عبور از مرحله دیگرپیروی به مرحله خودپیروی یا استقلال کمک می‌کند.

کهلمبرگ<sup>۱۸</sup> نیز در پی مطالعات و تحقیقات درباره تحول اخلاقی، شش مرحله تحول اخلاقی از کودکی تا بزرگسالی را توصیف کرده است، این شش مرحله در سه سطح قضایات اخلاقی که کمبلرگ آنها را پیش قراردادی، قراردادی و پس قراردادی، نامگذاری کرده است، می‌گنجد.

### تأثیر عوامل مختلف در اجتماعی

#### شدن کودکان:

برای روانشناسان اجتماعی، خانواده یک گروه از میان دیگر گروهها محسوب می‌شود اما خانواده اولین و معمولاً قابل دسترس‌ترین گروه اجتماعی است که فردی به آن ملحق می‌شود در بیشتر جوامع خانواده سنگ بنای ایجاد هویت فردی است و مکانی است که ارتباطات با ساختار اجتماعی در آن نصیح می‌گردد. تجربیاتی که در گروه خانواده بدست می‌آیند نه تنها کاربردهای خوبی را برای سازگار شدن و انطباق با گروههای بعدی در جامعه دارد بلکه برای ایجاد هویت گروهی امری طبیعی محسوب می‌شود. نظام خانواده در



اخلاقی قائل به سنتین خاصی است. او معتقد است که گذار از مرحله «دیگرپیروی» به مرحله بعدی که مرحله «خود پیروی» است به دنبال افزایش سن کودک صورت می‌گیرد. (کریمی، ۱۳۷۰)

همچنین فروید و اریکسون در نظریه‌های خویش به این مسئله اشاره می‌کنند که در پی افزایش سن کودک مراحل روانی-اجتماعی متفاوتی را پشت سر می‌گذارد که توفق در هر مرحله و حل تعارض موجود در آن زمینه‌ای برای حل بحران در مرحله بعدی است (دادستان، منصور، ۱۳۷۱).

آزمون همبستگی بین بخش‌های مختلف آزمون روانی-اجتماعی با یکدیگر و با کل آزمون رازو، و با آزمون تحول شناختی که مربوط به فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش حاضر است. در سطح ۹۹٪ معنی‌دار هستند. یعنی نتایج، مؤید همبستگی بین بخش‌های مختلف آزمون تحول روانی-اجتماعی (یکش خود راهبری، تحول رغبتها و روابط بین فردی) با یکدیگر و با مجموعه پرسشنامه و با آزمون تحول شناختی هستند. در نتیجه هر دو فرضیه دوم و سوم پژوهش حاضر تأثیر می‌شود. به عبارتی اکتساب استقلال، هوش اجتماعی و فهم موقعیتهای اجتماعی با بالارفتن سن کودک و دستیابی او به شناخت بیشتر از خود و همچنین از مجیطش در هر مرحله از تحول معنای تازه‌تری به خود می‌گیرد. براساس نظریه پیازه کودک به تدریج در سیر تحولی خود مجهز به ساختهای شناختی پیچیده‌تری می‌گردد که بدین وسیله نه تنها می‌تواند به صورت عینی و منطقی بیندیشد بلکه روابط با محیط و دیگران دستخوش تغییراتی می‌گردد (دادستان، منصور، ۱۳۷۱).

بسیاری از تحولات روانی-اجتماعی کودک که در پرسشنامه رازو آورده شده آشکارا با تحول شناختی کودک در ارتباطند همچنان که در تحقیق ویلیامز و دیگران (۱۹۶۹) آمده است پیازه پیش‌بینی کرده است که در گروه سرآمدان اکتساب

غیرتجربی یا پس رویدادی است. متغیر مستقل این پژوهش تحول کودک است که نمودهای آن در نگهداری ذهنی و اجتماعی شدن مورد اندازه‌گیری واقع می‌شود و متغیر وابسته آن تحول روانی-اجتماعی (اجتماعی شدن) آزمودنی‌است.

جامعه آماری: دختران بهنگار - ۶ سال

نمونه آماری: ۱۰۴ دختر در ۴ مقطع سنی ۱۲ - ۱۰ - ۸ - ۶ سال در دو منطقه

شمال و جنوب شهر تهران  
روش نمونه‌برداری: نمونه‌گیری تصادفی

ابزار پژوهش: - مقیاس تحول روانی - اجتماعی «رنه رازو» به منظور تشخیص تحول روانی-اجتماعی در سه بخش خودراهبری - تحول رغبت‌ها و روابط بین فردی.

- انجام آزمون‌های عملیاتی نگهداری ذهنی مقدار ماده، وزن و حجم پیازه برای تعیین مراحل تحول شناختی.

شاخص‌های آماری: چارک پایین - چارک بالا - میانگین - میانه، انحراف معیار - انحراف استاندارد و آستینومنت

#### بحث و تحلیل نتایج

در رابطه با فرضیه اول که «افزایش سن در تحول روانی-اجتماعی مؤثر است» ملاحظه می‌شود که نمرات آزمودنی‌ها در مجموعه پرسشنامه تحول روانی - اجتماعی و نیز در سه بخش آن با افزایش سن بالا می‌رود. این نتایج نشان می‌دهند که در تهیه پرسشنامه دقت شده و سوالات براساس تحول فرد تهیه شده‌اند. نتیجه به دست آمده در تأثیر تحقیقاتی است که در این مورد صورت گرفته است. تحقیق پارک (۱۹۷۴) تأثیر سن را در آمادگی درک استدلال اخلاقی نشان داد. همچنین

اسندرف (۱۹۹۴) نشان داد که با افزایش سن میزان ارتکاب اعمال منع شده کاهش می‌یابد.

نتیجه به دست آمده در تحقیق حاضر مؤید نظریه‌های پیازه، فروید و اریکسون است. پیازه در رابطه با قضایت و رفتار اجتماعی مورد تأیید برخی از محققان قرار گرفته است.

متتحول شده است که حتی قادر به گفتن مسائل پیچیده با آن بودند و علی‌رغم کوشش والدین در جهت حفظ زبان آبا و اجدادی خود کودکان زبان مشترک همسالانشان را به عنوان یک زبان بومی پذیرفته بودند. (مارس، ۱۹۹۵)

عامل دیگری که بر اجتماعی شدن کودکان تأثیر می‌گذارد رسانه‌های جمعی است، برای شمار فرزاینده‌ای از مردم رسانه‌های جمعی در فرآیند اجتماعی کردن افراد به جای مدرسه، اماکن مذهبی و حتی خانواده‌ها نشسته‌اند. از میان آنها تلویزیون یکی از عوامل بسیار مؤثر در اجتماعی کردن کودکان محسوب می‌شود. حتی می‌توان گفت که در تحول شناختی کودکان نیز مؤثر است. حتی زمانیکه کودکان از تلویزیون بعنوان وسیله سرگرم کننده استفاده می‌نمایند از آن چیزهایی نیز می‌آموزند.

مروری بر تحقیقات انجام شده: دل در اثر خود بر روابط تنگاتنگی که بین تحول اجتماعی و بهره هوشی وجود دارد تأکید می‌کند. بلوم (۱۹۶۲) در سال ۱۹۶۲ در مورد پادگیری جنبه‌های فرهنگی رفتار به تحقیقاتی اشاره می‌کند که نشان می‌دهند، تحول جنبه‌های فرهنگی رفتار متقاضان با تحول هوش و برخی از ویژگی‌های شخصیت (مانند سنتیزه‌گری، استقلال‌طلبی، برخی رغبت‌ها و ...) در دوران خردسالی است که و بین ۷ - ۲ سالگی سرعت زیادی دارد. (بولوم، ۱۹۶۴)

همچنین پژوهش‌هایی که توسط برآکمن در سال ۱۹۷۸ و دیگران انجام گرفته است مؤید آن است که قضایت اخلاقی با رفتار اخلاقی و چهتگیری اجتماعی با تحول شناختی در ارتباطند.

نتایج حاصله از تحقیقات بعدی رابطه مثبت در پذیرش تحول رفتار اجتماعی با مراحل تحول شناختی را نشان می‌دهد و اینکه تأثیر افزایش سن در تحول روانی - اجتماعی مورد تأیید برخی از محققان قرار گرفته است.

**روش تحقیق:** این تحقیق از نوع

می توان به این نکته مهم اشاره کرد که در روند تحول روانی آزمودنیها در بعد ظرفیت عملیاتی ما شاهد ترتیب توالی نگهداری ذهنی مفاهیم فوق هستیم و این نتایج نیز مؤید کلیه تحقیقاتی است که در این باره در کشورهای دیگر توسط پیاژه و همکاران او صورت گرفته است.

## فهرست اسامی و متابع

1. Psychosocial development
2. Cognitive development
3. Zazo, Rene. manuel pour lexmen psychologique de l'enfant II 1969.
4. Gug Rocher
5. Durkin, Kevin. Developmental social psychology. 1995
6. Allen, B
7. دادستان، پ - منصور، م، ۱۳۶۷، بیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی
8. Lenski, G.
9. Freud, S.
10. Radford, Yohn.
11. Erikson, E.
12. Pappela, Diame E. Human development 1992.
13. Bowlby, Yohn.
14. Piaget, Yean.
15. Butter worth, Georg, 1994.
16. Kohlberg
17. Lumb, M. F
18. Doll, F. A
19. Bloom, B, S, Stability and change in human characteristics, 1964.
20. Park
21. Asendorf, Yohn, B. The malleability of behavior inhibition in developmental psychology. 1994.
22. دادستان، پ - منصور، م ۱۳۷۱ تربیت به کجا ره می سپرد.

مخالف سنتی وجود دارد مربوط به تحول است و تحول کودک است که اجتماعی شدن کودک را تسهیل می کند.

نتایج آزمون هیچگونه تفاوت معنی داری بین آزمودنیهای مناطق شمال و جنوب در دو آزمون تحول روانی - اجتماعی و آزمون شناختی را نشان نمی دهند. به عبارتی بین گروههای مختلف اقتصادی -

اجتماعی از لحاظ تحول روانی - اجتماعی و تحول شناختی تفاوتی وجود ندارد. تحول اجتماعی و شناختی در کودک تحت تأثیر

عوامل متعددی در طول سالیان متوالی شکل می گیرد که از آن جمله خانواده، مدرسه، گروه همسال و رسانه های همگانی هستند.

خانواده های ایرانی صرف نظر از سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی - اجتماعی دارای مشترکات فرهنگی خامسی در

شیوه های فرزند پروری خویش هستند. که این شیوه ها خود به صورت قابل توجهی تحت نفوذ دیگر ارکان جامعه از جمله

تحت نفوذ دیگر ارکان جامعه از جمله مذهب، باورها و استقادات فرهنگی و

همچنین نهادهای جامعه از جمله آموزش و پرورش و ارگانهای مربوط به نشر آثار و

تبليغات، قرار دارند. که اينها به نوبه خود در ایجاد، تغییر و حذف رفتارهای مورد نظر با

اهدافشان اقداماتی را انجام می دهند بنابراین ما شاهد تفاوت های عمده و

چشمگیری بین ارزشها و هنگارهای افراد جامعه نیستیم. والدین در پاسخ به

سنواتی که استقلال بیشتر فرزندان را می طلبید از جمله صرف اوقات فراغت مثلاً رفتن به سینما و انتخاب فیلم به تنها و

رفت و آمد بین شهری؛ همه والدین بدون استثنای هر دو منطقه اظهار داشتند که به کودکانشان اجازه چنین فعالیتهای را

نمی دهند. این مستله علاوه بر اینکه نشان دهنده تفاوت های فرهنگی آشکاری است که بین فرهنگ کشورمان با کشورهای غربی وجود دارد، می بینیم یکسانی و همگونی این عقاید در شمال و جنوب شهر تهران نیز

هست.

همچنین از مجموع نتایج مربوط به نگهداریهای ذهنی مقدار ماده، وزن و حجم

مفاهیم سریع تر صورت می پذیرد این پیش بینی به دنبال تحقیق در رابطه با تأثیر خود میان بینی بر مفهوم و تحول اجتماعی شدن در کودکان صورت گرفت که نهایتاً این فرضیه تأیید شد که بین آزمون شناختی سنجش نگهداری ذهنی و قابلیت ایفای نقش، همبستگی وجود دارد و دیگر اینکه سطح مفهومی و سطح میزان اجتماعی شدن دانش آموزان سرآمد به طور معناداری بالاتر از دانش آموزان متوسط

همبستگی های روانی آزمون زازو در

بخشهای مختلف آن و نیز همبستگی کل آزمون و بخش های مجزای آن با سطوح مختلف آزمون شناختی (نگهداریهای ذهنی)

در گروههای مختلف سنتی آزمودنی ها نشان داد که در مقاطع محدود سنتی ۸، ۱۰، ۱۲ ساله ها بعضی از همبستگی ها

معنی دار نیستند در حالی که در کل آزمودنیها تمام همبستگی ها معنی دار هستند این مطلب مؤید این نظر است که سن

نمی تواند عامل تعیین کننده در تحول باشد یعنی نمی توانیم برای تحول کودک از نظر سنی مقاطع روشنی را مشخص کنیم

چنانکه پیاژه خاطر نشان ساخته است تحول روانی معلول عوامل متعددی از قبیل عامل رشد ارگانیک و مخصوصاً رشد

داخلی و تمرين و تجربه اکتسابی، تعاملها و تفويض های اجتماعی و عامل تعادل جویی، می باشد که این عوامل تحول را برای هر دو جنبه شناختی و عاطفی

مشترک می سازد و تحول ناپذیری آنها به هیچ وجه یک توازنی کنشی را، که حتی در جزئیات شبیه چشمگیر است. از میدان

نمی راند (دادستان، ۱۳۶۷). نتایج آزمون تفاوت های بین گروه های مختلف سنتی در آزمون تحول روانی -

اجتماعی و آزمون تحول شناختی، نشانگر این امر است که بین گروههای مختلف سنتی هم در آزمون روانی - اجتماعی و هم آزمون شناختی تفاوت معنی داری وجود دارد.

یعنی آزمودنیها در سنین مختلف با یکدیگر متفاوت هستند اختلافاتی که در گروه های